



حاج‌آقا هاشمی برای درددل اهالی محله‌اش می‌نشیند تا گرهی از مشکلات آنها باز کند



در گزارش امروز با روحانی جوانی آشنا می‌شویم
که برای حل مشکلات اهالی لنجان، سنگ تمام گذاشته است

حاج‌آقا کریستین!



لیلا شوقی
جامعه

شاید در ساختار شهر نشینی امروز، ریش سفید داشتن در یک محله بی معنا باشد. امروز خیلی از همسایه‌ها حتی ماه‌ها و سال‌ها روی هم را نمی‌بینند، چه برسد به این که از حال هم باخبر باشند و برای رفع مشکل دست به دست هم دهند. به همین دلیل است که معنای ریش سفیدی می‌تواند امروز خیلی عجیب باشد. برای حجت‌الاسلام علی هاشمی چمگردانی اما ریش سفید محله بودن معنای ویژه‌ای دارد. با این که روحانی جوانی است اما در محل خدمتش در شهرستان لنجان استان اصفهان کارها انجام می‌دهد.

او نام کوچک همه شهروندان را می‌داند و پای درددل اهالی محله می‌نشیند. شاید به همین دلیل است هر کدام از اعضای محله وقتی به مشکلی برمی‌خورد سراغ این روحانی می‌آید و مشکلش را با او درمیان می‌گذارد. حالا فرقی ندارد مشکل چه باشد، در هر زمینه‌ای آقای هاشمی همیشه دست کمک افرادی را که به طرف او دراز کردند به گرمی و محبت می‌فشارد. برای ترک اعتیاد به مصرف‌کنندگان مواد مخدر کمک می‌کند، برایشان شغل پیدا می‌کند، دست بیماران نیازمند را می‌گیرد و در هزینه‌های درمان به آنها کمک می‌کند. برای خانواده‌های نیازمند، اشتغال‌زایی می‌کند و حتی در رفع مشکلات کوچک و دعواهای خانوادگی میانجی بین خانواده‌ها می‌شود. او رابطه خوبی با بچه‌ها دارد و همیشه با آنها فوتبال بازی می‌کند و در خلال همه این کارها به همه اهالی محله، درس اخلاق و خداشناسی می‌دهد.

حدود شش سالی می‌شود که حجت‌الاسلام علی هاشمی چمگردانی در مسجد اعظم سده لنجان فعالیت می‌کند. این روحانی جوان قبل از طلبگی همیشه فوتبال بازی می‌کرد و دوست داشت در یک تیم حرفه‌ای به‌عنوان بازیکن پذیرفته شود اما مسیر زندگی‌اش با از دست دادن یکی از اعضای خانواده تغییر کرد و توجه به معنویات، مساله‌اش شد. به همین دلیل وارد حوزه علمیه شد و تصمیم گرفت لباس تبلیغ بر تن کند. علاقه به انجام کارهای خیر از همان زمان شروع شد. از همان ابتدا هاشمی، جامعه هدفش را کودکان و نوجوانان انتخاب کرد.

او دوست داشت کودکان و نوجوانان را با دین آشنا کند. به همین دلیل در مدارس را زد و برای حدود ۱۵هزار دانش‌آموز، کلاس احکام و اخلاق برگزار کرد. اتفاقا ارتباط خوبی هم با بچه‌ها برقرار کرد. ارتباطی که فراتر از یک معلم اخلاق یا روحانی بود. بعد از برگزاری کلاس درس، هاشمی بچه‌ها را دور هم جمع و با آنها فوتبال بازی می‌کرد. همین، ارتباط خوبی را بین او و بچه‌ها به وجود آورد. هنوز بسیاری از دانش‌آموزان قیچی برگردان‌های او را به یاد دارند. به همین دلیل بسیاری از بچه‌های شهرستان لنجان او را به نام «حاج‌آقا کریستین» می‌شناسند. روحانی‌ای که فوتبالش عالی است و بسیاری از گل‌هایش را هم به صورت برگردان به تیم حریف زده است. دو سال قبل اما ارتباط هاشمی به یکباره با دانش‌آموزان قطع شد. کرونا در کشور شایع و مدارس هم تعطیل شد. به همین دلیل سراغ بزرگسالان و اهالی محله‌ای که در آنجا زندگی می‌کند رفت و با آنها ارتباط گرفت.

پابه‌پای مشکلات محله

بیماری کرونا و تعطیلی مدارس باعث شد آقای هاشمی وقت بیشتری برای رسیدگی به امور محله داشته باشد. ابتدای شیوع ویروس کرونا در کشور که بحران تهیه مواد ضدعفونی‌کننده و ماسک وجود داشت، این روحانی، همراه گروهی از اهالی، محله را ضدعفونی می‌کرد و یک کارگاه تولید ماسک راه انداخته بود تا اهالی محله و شهرستان نگران استفاده از ماسک نباشند. این کار باعث شد او ارتباط بیشتری با اهالی پیدا کند، به همین دلیل برای رسیدن به امور هم‌محلی‌هایش دست به کار شد. او هر روز به کسبه، نانواها، قصاب‌ها، خواربارفروشی‌ها و کشاورزان محله سر می‌زد. شغل اغلب اهالی این محله کشاورزی است و برای ارتباط گرفتن با آنها حتی سر زمین می‌رفت، بیل به دست می‌گرفت و دست به کار می‌شد و به آنها کمک می‌کرد.

این روحانی دهه شصتی تعریف می‌کند ابتدا برای تبلیغ دین و کشاندن اهالی به مسجد پای صحبت آنها می‌نشست. در همین رفت‌وآمدها و گفت‌وگوها بود که متوجه شد بسیاری از اهالی محله او مشکلات و دغدغه‌های زیادی دارند. او پی برد برخی از اهالی در اعضای خانواده، مصرف‌کننده مواد مخدر دارند، بعضی بیکارند و بنیان خانواده تعدادی از اهالی به‌دلیل مشکلات اقتصادی در حال فروپاشی است. همه این مشکلات باعث شد حاج‌آقا هاشمی به فکر بیفتد و به‌عنوان عضوی از خانواده برای بهتر شدن زندگی اهالی دست به کار شود. این طلبه جوان توضیح می‌دهد از آنجاکه صمیمیت خوبی بین او و دیگر اهالی محله به وجود آمده بود آن‌قدر که بسیاری از اهالی را با نام کوچک صدا می‌کند، وظیفه خود می‌دانست برای بهتر شدن شرایط زندگی‌شان کاری انجام دهد انگار که برای یکی از اعضای خانواده‌اش کاری می‌کند.

حاج‌آقا علیه مشکلات

خیلی زود هاشمی برای دست‌گیری از اهالی محله دست به کار شد. اول از همه برای ترک اعتیاد افراد مصرف‌کننده اقدام کرد. با خانواده‌ها صحبت کرد و از آنها خواست به عضوی که مواد مخدر مصرف می‌کند، کمک کنند. به این ترتیب افراد مورد نظر به کمپ ترک اعتیاد فرستاد شدند. بعد از چند ماه که مصرف‌کننده‌ها از کمپ بیرون آمدند مشکل دیگری روی می‌داد. خانواده با صحبت‌های هاشمی پذیرای آنها بود اما با پذیرش جامعه باید چه کار کرد؟ او در همین نقطه نقش ریش‌سفیدی را ایفا می‌کند و برای هر مصرف‌کننده‌ای که مواد را ترک کرده یک شغل هم دست‌وپا می‌کند. در دو سال گذشته که ویروس کرونا در کشور شایع شد، حاج‌آقا هاشمی کمک کرد و حدود ۸۰ مصرف‌کننده را ترک داد و به آغوش خانواده و جامعه برگرداند.

تلاش‌های آقای هاشمی به این‌جا ختم نمی‌شود. او به فکر آزاد کردن زندانیان هم هست. تا به‌حال سه زندانی را از بند اسارت آزاد کرده است و برای آزاد کردن سه‌زندانی دیگر هم تلاش می‌کند اما شاید مهم‌ترین کار این طلبه، رضایت گرفتن از خانواده‌های مقتول باشد. او تا به حال طناب دار را از گردن دو زندانی محکوم به قصاص برداشته است.

آقای هاشمی به همراه دوستان و خیرین حدود چهار خانه برای نیازمندان در محل ساخته است. کسانی که هیچ سقفی بالای سرشان نداشتند. تعمیر و نوسازی ۲۱ خانه از کارهای دیگر این طلبه جوان در دو سال گذشته است.

تهیه جهیزیه و کمک برای تهیه دارو یا تامین هزینه‌های درمان افرادی که نیازمندند از دیگر کارهای این روحانی است. او هزینه درمان و عمل جراحی بسیاری از نیازمندان را با کمک خیرین پرداخت کرده است.

بسیاری از اختلافات خانوادگی محله با کمک حاج‌آقا هاشمی سرانجامی جز دوستی و محبت نداشته است. او بسیاری از خانواده‌هایی را که در حال فروپاشی بودند به مراکز مشاوره فرستاده است تا به‌صورت علمی مشکل‌شان حل شود.

این روحانی حدود ۱۶۰۰ خانوار را تحت پوشش حمایتی خود دارد و هر ماه به آنها سر می‌زند. برای بچه‌های خانواده جشن تولد می‌گیرد و در مناسبت‌های مختلف مانند اعیاد و بازگشایی مدارس، آنها را به بازار می‌برد و برایشان لباس یا نوشت‌افزار خریداری می‌کند؛ درست مانند پدری که فرزندش را به بازار می‌برد و به او محبت می‌کند.

او دلیل برقراری ارتباط صمیمی بین خود و اهالی محل را خوشرویی و نشستن پای درددل‌هایشان می‌داند و معتقد است که مانند برادر یا پدری دلسوز با همه اهالی محل رفتار می‌کند.



توانمندسازی برای اشتغال

زندگی+

حاج‌آقا هاشمی می‌گوید که خیرین هر روز به او اعتماد می‌کنند و مبالغی را برای کمک به دیگران برای او واریز می‌کنند. او روزانه حدود ۱۰ میلیون تومان کمک از طرف خیرین دریافت می‌کند؛ کمکی که بخشی از آن، صرف اشتغال‌زایی می‌شود. از نظر این روحانی جوان، افرادی که نیازمندند باید توانمند و خودمستقل شوند. به همین دلیل است که او نیازسنجی کرده است. اگر در خانواده نیازمندی فردی خیاطی می‌داند اما چرخ خیاطی ندارد، او به کمک خیرین برایش وسیله امرارمعاش را تهیه کرد.

اگر فردی فرشبافی می‌داند آقای هاشمی برایش دار قالی و نخ می‌خرد تا بتواند کار کند. بعد از تامین وسایل اشتغال‌زایی این روحانی به کمک دوستانش محصولات را برای خانواده نیازمند به فروش می‌رساند. به‌جز این اما طلبه جوان وام اشتغال‌زایی گرفته و در حال راه‌اندازی یک کارگاه اشتغال برای بانوان سرپرست خانوار محله است. او می‌گوید که در این کارگاه به بانوان هم آموزش داده می‌شود و هم شرایط برای اشتغال‌زایی آنها فراهم می‌شود. ساختمان کارگاه او احداث شده است و کارهای اولیه برای راه‌اندازی کارگاه ادامه دارد. بانوان در این کارگاه در شغل‌های فرشبافی و سبدبافی مشغول به کار خواهند شد.

درنگ

معلم آزادساز

منصور عباسی هنوز هم در حال و هوای معلمی‌اش است. زمانی که به‌عنوان معلم شاگردانش را راهنمایی می‌کرد. او حالا ریش سفید کرده است و ۶۸ سال دارد و معلم بازنشسته است. بازنشستگی اما باعث نشد که در شهرستان محل زندگی‌اش (شهرستان بیجار استان کردستان) معلمی نکند. حالا بیشتر از گذشته نیز تلاش می‌کند.

او به کمک اعضای خانواده‌اش یک هیات مذهبی راه انداخته است؛ هیاتی که هم محل عبادت است و هم محلی برای کمک و دست‌گیری از افراد نیازمند. به کمک عباسی و خانواده‌اش هزینه درمان و عمل جراحی بیش از هشت خانواده نیازمند تامین شده است. مهم‌ترین کار خیرخواهانه این معلم بازنشسته اما آزاد کردن زندانیان غیرعمد است.

تنها در یک سال عباسی پنج زندانی جرائم غیرعمد را از اسارت نجات داد و حدود ۴۰ میلیون تومان برای آزادسازی آنها از بند اسارت پرداخت کرد. عباسی می‌گوید: «آزاد کردن یک نفر از بند زندان از سرگردانی و فروپاشی خانواده او نیز جلوگیری می‌کند.» این معلم بازنشسته توضیح می‌دهد، این روزها تمام تلاشش را متوجه آزاد کردن زندانیان نموده و امیدوار است در ماه رمضان زندانیان بیشتری را به آغوش گرم خانواده برگرداند.

اشتغال‌زایی به سبک خانم معلم

«یکی از دانش‌آموزان در مدرسه افتاد زمین و سر زانوی شلوارش پاره شد. دانش‌آموز گریه کرد نه برای دردی که در پایش احساس می‌کرد بلکه به علت پاره شدن لباسش. او گفت که خانواده‌اش توان مالی برای خرید مجدد لباس را ندارند.» وقوع این حادثه بغضی را بر گلوی خانم معلم داستان ما بتول کوچکی‌آباده می‌نشاند.

او ۳۵ سال دارد و اهل شهرستان سیرجان استان کرمان است و در یکی از مدارس حاشیه‌ای شهر کار می‌کند. همین واقعه باعث می‌شود که کوچکی‌آباده به فکر فرو برود و برای رفع این مشکل به فکر چاره باشد.

به همین دلیل به همراه خواهر و گروهی از فرهنگیان شرایط اشتغال‌زایی برای خانواده دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. او می‌گوید با کمک همکارانش یک کارگاه خیاطی تولید کیف و جامدادی راه انداخت و حدود ۱۰ نفر از اعضای خانواده‌های دانش‌آموزانش هم در آنجا مشغول به کار شدند.

این معلم می‌گوید: «اول فکر می‌کردیم با تهیه مواد غذایی، لباس ونوشت‌افزار مشکلات دانش‌آموزانم حل می‌شود اما این راه‌حل کوتاه‌مدت بود.» اما اشتغال‌زایی و خودکفایی بهترین تصمیمی بود که می‌شد برای حل مشکلات اقتصادی خانواده‌ها گرفت. کوچکی‌آباده توضیح می‌دهد که در تابستان به دانش‌آموزان کلاس‌های هنری نقاشی و روبان‌دوزی آموزش می‌دهد تا کمک‌خرج خانواده‌شان باشند. سود هزینه‌های کارگاه خرج خود بچه‌ها می‌شود و کوچکی‌آباده برای بچه‌ها کتاب‌های کمک‌آموزشی تهیه می‌کند.

حق با شماست

info@jamejamOnline.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#کالا-کارگر
زرندی از تبریز:
قیمت کالاها دوبرابر افزایش حقوق کارگران و کارمندان گران شده و بازهم تورم از افزایش حقوق‌ها سبقت گرفته است.

#خودرو-واردات
شیری از کرج:
وضعیت بازار خودرو به‌شدت آشفته است و توقف واردات خودرو یکی از علل اصلی آن است. چرا دولت قبول نمی‌کند که خودروسازان توان تامین مصرف داخلی را ندارند؟

#آسفالت-بزرگراه
طاهری از تهران:
قسمت‌هایی از آسفالت اتوبان شهید همت به شرق دچار فرورفتگی شده است و نیاز به مرمت و نوسازی دارد.

#کسبه-زباله
رضازاده از تهران:
برخورد سفت و سخت و جرایم سنگین برای کسبه‌ای که زباله خود را در جوی آب می‌ریزند بهترین راه‌حل برای توقف این عمل ناشایست است.

#اینترنت-گرانی
موسی‌پور از تهران:
قیمت بسته‌های اینترنت بیش از ۶۰درصد گران شد ولی کیفیت خدمات ارائه شده هیچ تفاوتی نکرده است.

#کالا-تقلب
جانی‌نژاد از تهران:
فروش کالاهای صوتی و تصویری تقلبی در بازار امام خمینی(ره) به‌شدت افزایش یافته است و متاسفانه هیچ سازمانی با این افراد برخورد نمی‌کند.

#خودرو-فرسوده
مزینانی از تهران:
تردد خودروهای فرسوده به علت توقف طرح نوسازی خودروها باز هم افزایش پیدا کرده است و این خودروها جز آلودگی هوا کارایی دیگری ندارند.

#واگن-بانوان
موسوی از تهران:
واگن بانوان برای راحتی خانم‌ها درنظر گرفته شده است. این در حالی است که دستفروشان آقا به داخل واگن‌های شلوغ می‌آیند. چرا مسؤولین مترو جلوی ورود آقایان به واگن‌های مخصوص بانوان را نمی‌گیرند؟

#زباله-گردی
آذین از تهران:
تعداد کودکان زباله‌گرد در تهران به شدت افزایش پیدا کرده است. آن در خیابان‌های شهر تهران راه می‌روند، سر به درون سطل‌های زباله می‌کنند و بیماری را انتقال می‌دهند. چرا شهرداری، زباله‌گردها را ساماندهی نمی‌کند؟